

پژوهش در تاریخ، سال نهم، شماره ۲۵ و ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

بررسی شخصیت و اقدامات سیاسی - اجتماعی حاج میرزا آقاسی

شاهرخ عبدالله‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۵

چکیده

در داستان‌های مربوط به پادشاه و وزیر که از جذاب‌ترین کلیشه‌های تاریخ بشری محسوب می‌شوند، معمولاً وزیران به‌عنوان مناقشه‌برانگیزترین شخصیت‌ها مورد سؤال و قضاوت مردمان عصر خود و نیز دوره‌های بعدی قرار می‌گیرند. بی‌تردید در این میان حاج میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه قاجار، یکی از بحث‌برانگیزترین سیاست‌مداران ایرانی عصر قاجار است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا اقدامات و سیاست‌های حاج میرزا آقاسی در جهت بهبود و ساماندهی اوضاع مملکت ایران بود یا کشور را به سراشیبی اضمحلال و سقوط کشانید؟ در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و دسته‌بندی اطلاعات و انجام پژوهش به شیوه توصیفی صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میرزا آقاسی با وجود خطاهای بسیار، اقدامات مهمی در زمینه‌های تجهیز سیستم نظامی، توسعه کشاورزی و امورات فرهنگی انجام داد و دست به اصلاحات متعددی در جهت بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم زد.

واژه‌های کلیدی: حاج میرزا آقاسی، صدراعظم، قاجار

۱. مقدمه

در تاریخ معاصر ایران و به‌ویژه عهد زمامداری حاکمان قاجار، کم نبوده‌اند افرادی که نقش متفاوتی نسبت به دوره‌های قبل و بعد از خود بازی کرده‌اند. حال این نقش مثبت بوده یا منفی، قهرمان بوده‌اند یا ضدقهرمان، مهم این است که آیندگان آن‌ها را بر اساس آثاری که درباره آن‌ها باقی مانده‌اند، شناخته و مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این مقدمه کلی از این جهت بود که موضوع بحث، راجع به شخصیتی است که به دلیل جایگاه سیاسی و اجتماعی خود در زمانه‌اش، نسبت به هم‌منصبان قبل و بعد از خود اندکی مورد بی‌مهری قرار گرفته است. البته نمی‌توان همه آن قضاوت‌ها را عاری از واقعیت دانست و بر همه آن‌ها خط بطلان کشید، چراکه در آن صورت خود ما اسیر تعصب و کوری ناشی از آن خواهیم شد. اعتمادالسلطنه درباره حاج میرزا آقاسی نوشته است که «در امور سلطنت و مملکت‌داری بی‌خبر بود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۶۰). در تخطئه چهره میرزا آقاسی، آثار خارجی از جمله کتاب تاریخ ایران اثر سرپرسی سایکس، شاید بیش از همه نقش داشته است. وی در این کتاب می‌نویسد: «وی از سیاستمداری و فنون نظامی بی‌خبر و درعین حال به‌قدری خودبین و مغرور بود که حاضر نبود از کسی تعلیماتی قبول کند» (سایکس، ۱۳۶۲: ۵۲۷/۲-۵۲۷). فریدون آدمیت نیز درباره حاج میرزا آقاسی چنین اظهار نظر کرده است: «در دوره زمامداری او قدرت دولت به نهایت سستی و ناتوانی رسید» (آدمیت، ۱۳۶۲: ۷۸). در مقابل این دیدگاه، هما ناطق در کتاب ایران در راه‌یابی فرهنگی ۱۸۴۸-۱۸۳۴ سعی در زدودن تصویر منفی از میرزا آقاسی کرده و درباره وی این چنین اظهار نظر کرده است: «هر چه جستم و پوییدم به این واقعیت دست‌یافتم که آن درویش که برخلاف سنت به حکومت رسید، نیندوخت، نگرفت، نکشت. ساخت و آباد کرد» (ناطق، ۱۳۶۸: ۱۲). از دیگر آثار مهم درباره زندگی و اقدامات میرزا آقاسی مجموعه مقالات حسین سعادت نوری چاپ‌شده در مجله یغما است. در این مقالات تلاش شده است تصویری مبتنی بر واقعیت و دور از اغراق از وی ارائه گردد. باوجود این پژوهش‌ها، هنوز نیاز به تحقیقی منسجم و مختصر و مفید درباره اقدامات حاج میرزا آقاسی احساس می‌شود. هدف مقاله حاضر ارائه چهره‌ای به‌دور از اغراق، چه از منظر منفی و چه مثبت، از این شخصیت تاریخی و ارائه شواهدی از لابه‌لای آثار تاریخی در مورد ویژگی‌ها و اقدامات وی در دوره صدارتش است؛ به‌طوری‌که هر فرد علاقه‌مند به تاریخ با شنیدن نام میرزا آقاسی به یاد سحر و جادو و نخوت و رکود این سرزمین به دست وی نیفتاده و بداند که وی اقدامات مثبت و

ارزنده‌ای در مسیر توسعه و آبادانی مملکت در عصر خود نیز داشته است. مسئله اصلی تحقیق حاضر بررسی شخصیت و اقدامات حاج میرزا آقاسی و کارنامه سال‌های صدارت اوست. وی در دوران سیزده‌ساله صدارتش با چالش‌ها و مشکلات و موانع متعددی در داخل و خارج مواجه بود. با این حال وی به اقدامات متنوع اصلاحی در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست زد.

۲. زندگی‌نامه

نام اصلی اش حاجی ملا عباس ماکویی / ایروانی، زاده ۱۱۹۸ ه.ق. زاده شده در ماکو بود. بنا بر قول نویسنده ناسخ‌التواریخ وی اصالتاً از طایفه بزرگ ایل بیات بوده که پدران وی به همراه ایل مزبور توسط شاه‌عباس صفوی از ایروان در قالب جمعیتی حدوداً ۳۰۰ خانوار به منطقه ماکوی آذربایجان کوچانده شدند تا امنیت این منطقه را در برابر راهزنان حفظ نمایند (لسان‌الملک، ۱۳۷۷: ۳۳۱). با توجه به دوره تاریخی این کوچ ایلی مدت‌ها قبل از روی کار آمدن سلسله قاجار است. احتمال می‌رود که حاج میرزا آقاسی زاده شهر ماکو بوده است و نه ایروان. در هر صورت وی تحصیلات اولیه را نزد پدرش میرزا مسلم که از علمای ایروان هم بود، گذراند و بعد از مدتی همراه پدر خود به عتبات عالیات، شهر کربلا، رفته و نزد ملا عبدالصمد همدانی که از علمای آن خطه بود، تلمذ کرد (نصرت ماکویی، بی‌تا: ۱۲). کسی که در رفتار و سلوک شخصی وی تأثیر به‌سزایی گذاشت؛ به طوری که متأثر از آن درویش مسلک شده و به پیروی از استادش طبع شعری وی شکوفا و اشعاری را نیز با تخلص فخری (لقب استادش بوده است) سرود (افشاری، ۱۳۷۶: ۱۰۱).

وی در پی حمله وهابیان به عراق، عازم آذربایجان شده و در زادگاهش ماکو رحل اقامت افکند و معلم (خصوصی) فرزند حسین خان سردار شد (نصرت ماکویی، همان‌جا). بعدها به سمت تبریز رفت و ابتدا به‌عنوان معلم فرزند میرزا عیسی قائم‌مقام و بعداً به‌عنوان معلم خصوصی محمد میرزا فرزند نایب السلطنه عباس میرزا با مقرری سالیانه هزار تومان گماشته شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۸۶). از آنجایی که رابطه شاگرد و معلمی صمیمیت زیادی را باعث شده و در واقع به رابطه مرید و مرادی میان آن‌ها بدل گشته بود، حاج میرزا که در خوی اقامت داشت، به اصرار محمد میرزا از پدرش نایب‌السلطنه، در تبریز اسکان یافته و از رجال و نزدیکان دربار شد (همان). درباره چگونگی رفتن حاجی آقاسی به تبریز، الهیار ایلخانی این چنین می‌نویسد:

«مرحوم محمدخان که با فوج ماکو به تبریز احضار شد حاجی را هم با خود از ماکو به تبریز آورد. در آن مدتی که در تبریز بود با مرحوم میرزای فرمانفرما الفتی پیدا کرد و در آن وقت مرحوم ولیعهد، نایب السلطنه عباس میرزا، معلمی جهت درس و تربیت اولادشان می خواستند که مشغول درس و تربیت ولیعهدزاده ها شود. مرحوم فرمانفرما از مرحوم حاجی تعریف کردند و او را خدمت ولیعهد آوردند و سالی هزار تومان مقرری از برای آن مرحوم قرار دادند و معلم عموم اولاد ولیعهد شد» (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۱۵۵). حال که رابطه شاگرد و استاد بسیار نزدیک شده بود و به قول صاحب مکارم الآثار محمد میرزا وی را صاحب کشف و کرامات می دانست، حاج میرزا نوید سلطنت را به مرید خود نیز می دهد؛ امری که مدتی بعد تقدیر روزگار این مهم را تحقق می بخشد. باری بعد از مرگ فتحعلی شاه در سال ۱۲۵۰ ه. ق. حاج میرزا به همراه شاهزاده محمد میرزا عازم تهران شد. پس از قتل میرزا ابوالقاسم قائم مقام به فرمان محمدشاه در سال ۱۲۵۱ ه. ق. پادشاه مقام وزارت را به حاج میرزا آقاسی اعطا کرد (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۴۴۰؛ خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۵). نوشته اند که «حاجی زشت می دانست که کسی او را وزیر و صدراعظم گوید و رتبه خود را بالاتر از این می دانست. اهالی دول خارجه چون این دانستند وی را شخص اول مملکت خطاب کردند و حاجی اول کسی است که مخاطب به این لقب شده است» (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۱۶۱). به نظر می رسد که این ویژگی را به خاطر این ذکر کرده اند که نشان دهند در عمل پادشاه تحت سلطه و اختیار میرزا آقاسی بوده و در همه امور پادشاه مرید و زیرش بوده است. لازم به ذکر است که میرزا در تهران نیز به عنوان معلم تربیتی فرزندان فتحعلی شاه به خدمت گرفته شده بود که از این راه و نیز از طریق زهد و عرفان و خدانشناسی در شخص فتحعلی شاه نیز نفوذ معنوی پیدا کرده بود (خان ملک ساسانی، ۱۳۵۰: ۲۴). تا اینجا سیر تاریخی زندگی شخصی و سیاسی میرزا آقاسی تا عهد وزارت وی به طور خلاصه طبق آنچه از منابع دوره مورد نظر فهمیده می شود، ارائه گردید. در ادامه سعی خواهد شد اقدامات میرزا آقاسی در کسوت صدراعظم ایران در عرصه های خارجی و داخلی بیان و روشن شود؛ امری که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به نظر نگارنده این سطور، در مورد شخص مورد بحث در اکثر نوشته ها (به مانند رساله دستور الاعقاب نواب تهرانی) راه کج و غرض ورزانه در پیش گرفته شده است. به طوری که گاه در منابع حتی از ذکر یک نمونه اقدام مثبت این صدراعظم طفره رفته و همه آن صدارت سیزده ساله وی با عینک بدبینانه و توأم با سیاه نمایی نگریسته شده است. این

در حالی است که وی از سوی بعضی مورخان نسبت به همتایان قبل و بعد از خود، یعنی قائم-مقام و امیرکبیر، کمی مورد بی‌مهری قرار گرفته است. در این میان شاید دیدگاه‌های سیاسی میرزا آقاسی هم در نگرش منفی مورخان به او بی‌تأثیر نبوده است. کنت دو سرسی سفیر فرانسه شاهد بود که سفرای دو کشور روسیه و انگلستان از حاجی سخت بیزار بودند و به کمین نشسته بودند تا شورش را بکنند (صفایی، یک‌صد سند تاریخی، سند ۱۷، ص ۴۰ به نقل از ناطق، ۱۳۶۸: ۸۰). به طوری که در منابع مشخص است، میرزا آقاسی دل‌خوشی از انگلیسی‌ها نداشته و هیچ‌وقت در دوره زعامت خود مایل به برقراری رابطه و قرارداد دوستانه با آن‌ها نبوده و در عوض دست دوستی خود را به دول فرانسه و بلژیک دراز کرد. ممکن است این مطلب هم در نحوه بازنمایی اقدامات حاج میرزا آقاسی در تعدادی از منابع تاریخی مؤثر بوده باشد. عامل دیگر می‌تواند خصومت شخصی مهدعلیا همسر محمدشاه و مادر ناصرالدین‌شاه با حاجی باشد.

با این حال و علی‌رغم انتقادات شدید بسیاری از مورخان عصر قاجار از حاج میرزا آقاسی، شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد کارنامه وی عاری از اقدامات مثبت نبوده است. لذا در ادامه با ذکر مستندات مذکور در منابع، تلاش می‌شود تا تصویری بدون زنگار از این چهره ارائه شود. به نظر نگارنده میرزا آقاسی از آنجایی که درویش‌مسلك بود و سیر تحصیل و سلوک شخصی وی در خط مشی عارفانه و اخلاق‌مدارانه بوده است، لذا شخصیت فردی وی نمی‌توانسته از این آموزه‌ها جدا باشد و به تبع آن اقدامات و سیاست‌های وی در دوران صدارتش به نوعی متأثر از این مهم گشته است. امری که به نظر در بررسی‌های تاریخی مغفول مانده است. فارغ از درست و غلط بودن این ویژگی و اخلاق، ما می‌بینیم که وی در بعضی مواقع تصمیماتی اتخاذ می‌کرده است که موردپسند سایرین نبوده و همواره مورد مناقشه و جدل هم‌عصران خود و بعدها نویسندگان قرار گرفته است و در مقام مقایسه که معطوف به نتیجه آن اقدام و سیاست می‌بوده است، سیاست‌های وی همواره محل تردید و بحث قرار گرفته است.

لذا به نظر نگارنده این سطور در بررسی اقدامات میرزا لازم است که شخصیت و روانشناسی فردی او نیز در نتیجه‌گیری و تبیین وقایع تاریخی آن عصر لحاظ گردد. به‌عنوان مثال در جریان لشکرکشی محمدشاه به هرات، در نحوه ورود به شهر و اتخاذ استراتژی نظامی صحیح برای تصرف آن، بین سران لشکری اختلاف نظر می‌افتد و عموماً به بستن تمامی دروازه‌های شهر نظر می‌دهند به‌جز میرزا آقاسی که عنوان می‌کند که دو دروازه از پنج تای آن باید باز باشد تا سکنه شهر با تحت فشار قرار گرفتن مجبور به فرار باشند. نکته این است که هر چند این سیاست

نتیجه‌درستی نداده و استراتژی حاجی درست از آب درنیامده باشد، ولی مورخان به این نکته اشاره نکرده‌اند که صدراعظم در کنار فتح و پیروزی به جنبه انسانی ماجرا نیز می‌نگریسته و اینکه لااقل با باز بودن دو دروازه از شهر هرات، عده کثیری کشته نشده و با فرار خود جانشان از مرگ نجات می‌یافت. یا مواردی چون ترجیح زندان به جای اعدام سید محمدعلی باب، مسامحه و گذشت از بدخواهان و کینه‌جویان به جای انتقام و موارد متعدد دیگری که در لابه‌لای اقدامات اشاره خواهد رفت. در اینجا لازم است جمله‌ای از محمدحسن خان اعتمادالسلطنه نویسنده صدرالتواریخ در تأیید این مذکورات آورده شود. وی در باب ویژگی بارز اخلاقی حاج میرزا آقاسی چنین می‌نویسد: «حاجی راضی به قتل و قمع کسی نمی‌شد، نان احدی را نمی‌برید، اغلب اوقات از اشخاص واجب‌القتل شفاعت می‌کرد و گناهکاران را از کشتن نجات می‌داد و میل نداشت خون کسی ریخته شود و مثل سایر صدور در برچیدن خانمان‌ها و اتمام دودمان کسی اقدام نمی‌کرد و خیلی سلیم‌النفس بود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۶۵). از اقدامات مهم دیگری که مورخان به آن اذعان داشته‌اند، و حتی واتسون انگلیسی که معمولاً از حاجی و اقداماتش به بدی یاد می‌کند نتوانسته است آن را کتمان نماید، اهتمام میرزا آقاسی به حاکمان ایالات و ولایات سراسر ایران مبنی بر منع تعقیب و آزار و اذیت متهمان بعد از دستگیری آن‌ها بوده است. بدین ترتیب که فرمان داد هیچ‌کس را از برای گرفتن اقرار به تقصیری تحت آزار و شکنجه قرار ندهند و متهمین را بدون اثبات جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک مسلم و تردیدناپذیر، تنبیه و مجازات ننمایند (واتسن، ۱۳۵۶: ۲۳۹؛ آدمیت، ۱۳۶۲: ۱۳۵). جالب اینجاست که به‌رغم این حقایق که حتی مخالفین سیاست‌های وی نیز بدان معترف بودند، نویسندگانی انگلیسی همانند واتسن وی را سفاک (خون‌ریز) و قسی‌القلب و بدخلق و عصبانی دانسته است (واتسن، ۱۳۵۶: ۲۳۱). لازم به ذکر است که نمی‌توان همه ایرادات وارده بر میرزا آقاسی را نادیده انگاشت، چراکه خود دچار تعصب خواهیم شد. قسمتی از ایراداتی که به وی وارد شده است از سوی اروپاییانی مطرح شده که به عنوان سفیر و کاردار او را ملاقات کرده‌اند. از جمله یکی از ایرادات برجسته وارد به وی، سادگی به معنای عدم اطلاع از آداب دیپلماسی و نیز بعضی خصلت‌های عجیب وی که مورخان هرکدام از ظن خود بدان نگریسته‌اند. کنت دوسرسی درین باره نوشته «متأسفانه غالباً افکار غریب و عجیبی در مغز این وزیر خطور می‌کند. این مرد که در سنین بالا وارد سیاست شده، باوجود درایتش، کوچک‌ترین اطلاعی از امور مملکت ندارد» (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۸۸)، یا آدمیت در جریان معاهده ارزنه‌الروم

در جایی از زبان یکی از نمایندگان انگلیسی دربارهٔ حسادت حاجی این چنین آورده است: «حاجی میرزا آقاسی آن صدراعظم حيله گر که تنها در اندیشهٔ استوار کردن کار خود بود، به میرزا تقی خان رشک می برد و خیلی خوشحال بود که وی را از سر راه برمی دارد» (آدمیت، ۱۳۶۲: ۷۰).

آنچه بیش از عملکرد حاجی میرزا آقاسی قابل سرزنش است همان اخلاق و رفتار و شیوهٔ حکومت محمدشاه قاجار است که قدرت فوق العاده ای را در اختیار حاجی میرزا آقاسی قرار می داد. محمدشاه نسبت به حاجی میرزا آقاسی اعتقاد قلبی داشت (خان ملک ساسانی، ۱۳۵۰: ۱۱۲) و بر این عقیده بود که او صاحب کرامت است و او را قطبِ فلکِ شریعت و طریقت می دانست (میرزا جهانگیر، ۱۳۸۴: ۱۹۴). به همین دلیل حاجی میرزا آقاسی در طی صدارتش، همه کارهٔ مملکت بود و اعتراض هایی هم که از حاجی میرزا آقاسی نزد شاه گفته می شد، محمدشاه توجه نمی نمود. حاجی میرزا آقاسی در ابتدای صدارت ثروت چندانی نداشت، اما با گذشت زمان ثروتمند گردید. هنوز چندی از صدارت وی سپری نگردیده بود که دارای ۱۴۳۸ پارچه آبادی و مزرعه شد و همه را به شاه هبه نمود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۸۳) به دلیل تمایلات صوفیگری حاجی میرزا آقاسی و محمدشاه که موجب سوءظن روحانیان نسبت به آن ها گردیده بود، به صوفیه در زمان صدارت حاجی میرزا آقاسی توجه بیشتری می شد. گفته می شود حاجی میرزا آقاسی به عمد با علما دشمنی می نمود، زیرا با این اقدام خود قصد داشته تا انتقام در اویشی را که به دست علما کشته شده بود، بگیرد (الگار، ۱۳۶۹: ۱۷۶). یکی دیگر از مسائلی که مورخان از آن به خوبی یاد نمی کنند و همواره جزو اقدامات و سیاست های غلط و متعصبانه میرزا آقاسی یاد می شود، به کار گماشتن همشهریان یعنی ماکوییان در امور مختلف و باز گذاشتن دست آن ها در انجام وظایف آن طور که دلشان می خواست بود (افشاری، ۱۳۷۶: ۱۱۲). این مسئله نیز همانند سایر اتهاماتی که به میرزا آقاسی وارد کرده اند خالی از اغراض و تهمت نیست. چه خود وی برای اینکه تفاوتی بین همشهریان خود با سایرین قائل نشود طی نامه ای که به محمدشاه نوشته است از اینان با عنوان مفت خوران یاد کرده و می نویسد: «فوج ماکوئی مفت خور اینجانب هستند به خزانه یا جایی صعب نمی گذارم الی آخر» (اقبال، ۱۳۹۰: ۱۶۷). لازم به ذکر است که با وجود این گفتهٔ میرزا آقاسی، منابع در آزار و اذیت مردم توسط بعضی از سربازان ماکوئی متفق القول هستند و واضح است که میرزا آقاسی نظارت و کنترل دقیقی به احوال اینان نداشته است. از آن جمله اعتمادالسلطنه آورده است که «از دست سربازان

ماکوئی‌اش، غروب که می‌شد هیچ بچه و زنی جرئت بیرون شدن از خانه نداشت» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۷۴).

۳. مهم‌ترین اقدامات

به‌طورکلی می‌توان گفت که اقدامات حاج میرزا آقاسی در زمان صدارت خود از دو جنبه قابل توصیف و بررسی است. یکی سیاست خارجی و دیگری اقدامات و سیاست‌های وی در امور داخلی مملکت.

۳-۱. لشکرکشی به هرات

حاج میرزا آقاسی برخلاف سلف خود قائم‌مقام فراهانی که تقریباً سیاستی بی‌طرفانه نسبت به دول خارجی روس و انگلستان را پیشه کرده بود، کمی به سمت دولت روسیه متمایل شد. همین باعث شد به پشت‌گرمی و سیاست‌ورزی آن‌ها در این عصر به منطقه هرات لشکرکشی شود. محمدشاه به هنگام ولایت‌عهدی عباس میرزا نیز یک‌بار به محاصره هرات مشغول شده بود که به علت فوت پدرش ناچار از محاصره این شهر دست کشید. در اوایل سلطنت محمدشاه، کنت سیمونیچ، سفیر روسیه در ایران که مورد احترام و توجه خاص شاه بود، سیاست خاصی در قبال ایران اتخاذ نمود. وی از تمایل ایران نسبت به افغانستان آگاه بود و تلاش می‌کرد تا توجهات را به افغانستان بیشتر کند تا بتواند بدین وسیله هم اذهان مردم را از کینه‌ای که به روس‌ها داشتند، دور کند و هم برای انگلیسی‌ها مشغولیت درست کند (شمیم، ۱۳۷۱: ۱۳۷). در واقع می‌توان گفت ایرانی در این مسئله بیشتر بازی سیاسی روسیه در رقابت با رقیب دیرینه‌اش انگلستان را خورد. این لشکرکشی بی‌هدف نتیجه خاصی در بر نداشت؛ به‌طوری‌که به دلایلی چون مخالفت دولت انگلستان با این لشکرکشی، کمک انگلیسی‌ها به افغانه و اهالی هرات، مداخلات مک‌نیل - وزیرمختار انگلستان - در تدارکات اردوی محمدشاه، حضور فعال جاسوسان انگلیسی در اردوی شاه که تحرکات اردو را به انگلیسی‌ها و داخل هرات منتقل می‌نمودند، عدم مساعدت دولت روسیه علی‌رغم وعده‌های تزار، فقدان استراتژی نظامی در اردوی ایران، صدور فرامین متضاد و متناقض، کندی در ابلاغ فرامین صادره، عدم همکاری سرداران سپاه ایران، خیانت عده‌ای از همراهان محمدشاه از جمله میرزا علینقی منشی محمدشاه و بالاخره اولتیماتوم آشکار دولت انگلستان و اعزام کشتی جنگی توسط این دولت

به خلیج فارس و اشغال جزیره خارک از دلایل ناکامی محمدشاه در تسخیر شهر هرات بود (افشاری، ۱۳۷۶: ۱۰۴). اعتمادالسلطنه اظهار می‌کند: «... در وقت محاصره هرات و فتح غوریان، حاجی میرزا آقاسی چنان خبط و خطا کرد و کار لشکر را به تعویق می‌انداخت و مردم چون عقیدت و نیت خالصانه شاهنشاه غازی را با او می‌دانستند، جرئت اظهار نداشتند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۳۵). در هر حال نمی‌توان تقصیر شکست این لشکرکشی را تنها بر دوش صدراعظم نهاد و نقش درجه اول شاه و قدرت استعماری بزرگی چون انگلیس را در این ناکامی نادیده گرفت؛ اما از مهم‌ترین و جالب‌ترین اتفاقاتی که در این لشکرکشی اتفاق افتاد دستوری بود از طرف میرزا آقاسی مبنی بر ساختن توپ جنگی که چندین توپ جنگی درست شد و حتی در محاصره هرات و ریختن دیوار آن نیز از آن‌ها بهره گرفته شد. همچنین بعد از لشکرکشی شاه با مساعدت وزیرش دستور به کوتاه و یک‌دست نمودن لباس فرم نظامیان داد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۷۹) که هردوی این اقدامات نوعی همگام شدن با مظاهر تمدنی جدید قلمداد می‌شدند. همچنین در این زمان بود که با مساعدت وی، شاه فرمانی مبنی بر منع شکنجه بدنی صادر نمود که تا آن زمان امری بی‌سابقه بود (ناطق، ۱۳۶۸: ۶۰).

۳-۲. معاهده با عثمانی

از اتفاقات مهم دیگری که در عرصه سیاست خارجی عهد صدارت میرزا آقاسی روی داد، انعقاد معاهده دوم ارزنه‌الروم با دولت عثمانی در تاریخ ۱۲۶۸ ه. ق بود که با مداخله دولت‌های روس و انگلیس صورت گرفت. در صورت بسته نشدن این عهدنامه احتمال تنش سیاسی و نظامی بین طرفین محتمل می‌بود. لازم به ذکر است که نماینده ایران در این عهدنامه میرزا تقی‌خان فراهانی که در آن تاریخ وزیر نظام آذربایجان بود، به دستور میرزا آقاسی به جای میرزا جعفرخان مشیرالدوله که به علت بیماری نتوانست عازم استانبول شود، اعزام گردید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۷۵) این قرارداد شامل یک مقدمه و ۹ ماده بود که به موجب آن نواحی واقع در شرق ذهاب و کرند و بندر محمره (خرمشهر) و اراضی واقع در شرق شط‌العرب (اروندرو) متعلق به دولت ایران گردید و در مقابل، دولت ایران از هرگونه ادعای اراضی نسبت به منطقه سلیمانیه (عراق) منصرف شد. دو دولت به طور متقابل حق کشتیرانی آزاد در شط‌العرب را به رسمیت شناختند و از کلیه دعاوی ارضی نسبت به یکدیگر چشم‌پوشی نمودند (آدمیت، ۱۳۶۲: ۷۰). میرزا تقی‌خان انصافاً به خوبی از عهده این مهم برآمد و به گفته شاهدین از هر نظر بر نماینده

سایر دول برتری داشت. یکی از بحث‌های مطرح‌شده دربارهٔ انتخاب امیرکبیر به نمایندگی معاهده مزبور این بود که میرزا آقاسی خواست که برای مدتی از وی خلاصی یابد. آدمیت از قول نادر میرزا این‌چنین آورده است: «همه لشکر آذربادگان جز او کس ندانستندی و فرمان او بردندی. این شهامت وزیر ایران حاج میرزا آقاسی را گران بود» (همان). این گفته صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا عاقلانه نیست که آقاسی وی را به نمایندگی معاهده‌ای بسپارد که در تاریخ روابط سیاسی ایران با عثمانی اهمیت زیادی دارد و برعکس نام و آوازهٔ میرزا تقی‌خان را بیشتر بر سر زبان‌ها انداخته و اهمیّتش را بیش‌ازپیش جلوه می‌دهد. نکتهٔ دیگر اینکه آدمیت دربارهٔ اختلاف‌نظر میرزا تقی‌خان و آقاسی در بعضی موارد نتیجه می‌گیرد که جناب میرزا آقاسی به درد زمامداری مملکت نمی‌خورده و دولت در زمان وی ورشکسته شده بود. در این راستا در ادامهٔ بحث از معاهدهٔ ارزنه‌الروم می‌نویسد: «میرزا تقی‌خان هرکجا اوامر دولت را خردمندانه نمی‌دید، از اجرای آن روی برمی‌تافت. خلاصه اینکه دستگاه صدارت در زمان زمامداری حاجی یکسره ورشکسته بود و اگر او هر هنری داشت به درد زمامداری مملکت نمی‌خورد» (همان: ۷۸). به نظر می‌رسد که آدمیت می‌بایست در نتیجه‌گیری خود در باب بی‌اعتنایی میرزا تقی‌خان به نامه‌ها و نظرات میرزا آقاسی کمی مسامحه کرده و نگشودن بعضی نامه‌های وی توسط امیرکبیر را به‌طورقطع اقدامی صحیح نمی‌پنداشت. هرچند ناگفته بر دوست و دشمن واضح است که میرزا تقی‌خان آن قدر درایت داشته و وطن‌دوست بوده که تصمیمات وی در آن برههٔ حساس تاریخی از روی غرض‌ورزی یا اقدامی عجولانه نبوده است.

۳-۳. فتنهٔ باب

از دیگر وقایع مهمی که متقارن با صدارت میرزا آقاسی در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران روی داد، خروج سید محمدعلی باب بود که داعیهٔ پیغمبری و آوردن دینی به‌عنوان آخرین امام و فرستاده داشت. در باب کیفیت و شرح جزئیات این واقعه که محل بحث این مقاله نیست، تحقیقات مکتوب متنوعی صورت گرفته است. ناگفته نماند که نمی‌شود از نقش مخالفان میرزا آقاسی از جمله منوچهرخان معتمدالدوله که همواره سودای صدارت داشت و جدی‌ترین رقیب میرزا آقاسی در این حوزه قلمداد می‌شد، در علم کردن این فتنه جهت مقابله با وی چشم پوشید. در هر صورت مسئلهٔ مهم در این گفتار مربوط به دستگیری وی است. میرزا آقاسی که طبق مستندات پیشین مبنی بر این که از اجرای حکم قتل همواره گریزان بود، در

این مورد نیز به همین شکل عمل کرد. در شرایطی که اکثر علما خواستار قتل باب بودند، میرزا آقاسی وی را به آذربایجان منتقل نموده و به مدت تقریباً شش ماه در ماکو در زندان قلعه (قالا) حبس و بعد از آن به چهریق منتقل و در آنجا حدود سه سال محبوس می‌کند. این نمونه‌ای از نوع برخورد وی با دشمنان و یاغیان زمان بود که همواره سعی می‌کرد تا حد ممکن از تنبیه به جای کشتن و حکم اعدام استفاده نماید که نشانگر روحیه اخلاق مدار شخصی وی است و شاید رد پای آن را در آموخته‌های اخلاقی و درویش مسلکانه وی که قبل از صدارتش سال‌ها از محضر علمای مختلف آموخته بود، بشود جست.

۳-۴. اتهام اعطاء حق کشتیرانی و شیلات توسط حاج میرزا آقاسی به دولت روس

«ما مرغابی نیستیم که آب‌شور داشته باشیم... برای مشتی آب‌شور، نمی‌شود کام شیرین دوست را تلخ کرد». این جمله که به میرزا آقاسی منسوب است، ظاهراً اولین بار توسط ادوارد براون ذیل بحث در مورد واگذاری امتیاز دریاپیمایی دریای خزر توسط روس‌ها که در زمان صدارت میرزا آقاسی اتفاق افتاد، مطرح شده است (براون، ۱۳۸۱: ۱۴۶). این جمله بهانه‌ای است که طی دورانی طولانی توسط مخالفان او علم شده تا از پی آن مدعی این باشند که وی به راحتی و بدون تدبیر امتیاز کشتیرانی را به دولت روس واگذار کرد؛ بدون اینکه امتیازی را برای ایران از آن‌ها بگیرد. مهم‌ترین دلیلی که کذب بودن این ادعا را ثابت می‌کند این است که این امتیاز که از مفاد عهدنامه گلستان (ماده پنجم عهدنامه) محسوب می‌شود، در زمان حکومت فتحعلی شاه به دولت روس داده شد (۱۲۴۳ ق) یعنی زمانی که هنوز میرزا آقاسی صدراعظم و دارای مقام و منصب مهمی نیز نبوده است و طبعاً هیچ دخالتی در بستن این قرارداد ننگین با روسیه نداشته است. همچنین روس‌ها به استناد مفاد عهدنامه مزبور خواهان استقرار نیروهای نظامی در بنادر دریای خزر با عنوان ایجاد و تأسیس بیمارستان و تجارت‌خانه بودند. حاج میرزا آقاسی بیم آن داشت که آن‌ها به بهانه ایجاد تجارت‌خانه و بیمارستان در ساحل استرآباد قلعه‌های جنگی ساخته و نیروهای نظامی خود را در آنجا پیاده سازند، لذا مخالف این طرح بود؛ بنابراین طی مکاتباتی با وزیرمختار روسیه (کینیز دالگورکی) بیان می‌کند که آن‌ها به بهانه تجارت‌خانه و بیمارستان، قلعه نظامی نسازند و مهمات و سلاح و نیرو در آنجا پیاده نکنند (سعادت نوری، ۱۳۴۴ الف: ۲۰۸). بخشی از نامه میرزا آقاسی در این باب که به سلیمان خان بگلر بیگی نوشته این چنین است: «انبار انبار است و کاروانسرا کاروانسرا و قلعه

قلعه، چند جا انبار ساختن و به هم متصل نمودن و به صورت قلعه در نیاوردن سبب اطمینان اهالی طرفین است. به وضعی بسازید که به صورت قلعه و کاروانسرا که برادر کوچک قلعه است، در آن سر حد باعث صد هزار گفتگو است. خانه که چند اتاق کوچک برای نشستن تجار و انبار بزرگی که بسیار بزرگ باشد برای گذاشتن بار کفایت دارد. بعد به فاصله یک صد زرع باز مثل آن می توان و همچنین. اگر مطلب را یافتید فیهما والا آدم دیگر بفرستم بیاید انبارها را ساخته مراجعت کند. به تاریخ سه شنبه نهم شهر صفر سنه ۱۲۶۳» (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۶۷). واقعیت این است که میرزا آقاسی در اصل مخالف حضور روس ها در دریای خزر به هر صورت و بهره برداری تجاری و نظامی از آن بود و در نهایت سعی وی بر آن بود که تا حد امکان آن ها نتوانند با ایجاد قلعه نظامی خطری برای مملکت بیافرینند.

یکی از مسائل دیگری که میرزا آقاسی را متهم به سازش و اعطاء امتیاز به روسیه می کند، شیلات دریای خزر است که این نیز با مستندات تاریخی به جا مانده کاملاً نقض شده و معلوم می شود که وی به هیچ وجه راضی به اعطاء یا اجاره بهره برداری شیلات خزر به دولت روس نبوده است. نامه ای که وی به اسماعیل خان میرزا مباشر شیلات می نویسد حاکی از این حقیقت تاریخی است: «حکایت تازه شنیدم، خیلی به نظرم غریب آمد. از استرآباد روزنامه نوشته بودند که آقاسی نام آدم تو شیلات استرآباد را به تجار روسی اجاره داده است. اگر این حکایت راست باشد خدا می داند دیگر از دست من خلاص نخواهی شد. در این عرض مدت مرا نشناخته باشی خیلی بعید است. من جهد دارم سایر شیل را هم از دولت بهیه روسیه بگیرم. آدم تو برمی دارد شیلاتی که در دست ماست به تجار روس می دهد، مجملاً می نویسم اگر این کیفیت اصل دارد به ورود نوشته آدمی بفرست آن آدمت که آقاسی نام است از سر شیلات استرآباد بردارند و کس دیگر را مباشر این امر بکن که شیلات را از دست تجار اُرس بگیرد در دست خودش باشد. اگر در حقیقت حرف بیجا و بی پای است بنویس که مستحضر باشم. البته به زودی شرح این فقره را نوشته بفرست تا بدانم. باقی والسلام» (اسناد خانوادگی اسماعیل خان میزان آقاسی، خطی به نقل از آدمیت، ۱۳۶۲: ۴۰۹) فحوای نامه نشانگر این واقعیت است که صدراعظم چقدر از این واقعه ناراحت شده و خواهان این است که به هیچ وجه امتیاز شیلات به دولت روسیه واگذار نگردد. دولت روسیه از این نامه و اقدام میرزا آقاسی ناراحت گردید و جریان را به عرض محمدشاه رساند. همچنین در این دوره با درایت وزیر اعظم مزبور، دولت ایران با دول بلژیک و

اسپانیا روابط تجاری برقرار نموده و نیز رسم برده‌فروشی در خلیج فارس به اهتمام وی و دستور محمدشاه لغو گردید (سعادت نوری، ۱۳۴۴ ب: ۵۴۳-۵۴۱).

۳-۵. اقدامات عمرانی در مملکت

در اینجا لازم است فهرستی از اقدامات میرزا آقاسی که در مدت بیش از یک دهه صدارت خود در ایران انجام داد و آثار بعضی از آن‌ها هنوز هم پابرجا است، ارائه شود. پیش از آن بهتر است به این نکته اشاره کرد که تجهیز تشکیلات اداری و نظامی ایران به سیستم مدرن بعد از لشکرکشی به هرات، به فکر حاج میرزا آقاسی خطور کرد و در اولین اقدام به میرزا محمدعلی خان شیرازی، وزیر خارجه وقت ایران، طی حکمی دستور داد که مناسبات تجاری را با دول اروپایی تقویت نماید. در این راستا در اولین گام درخواست اعزام استادانی در زمینه علوم و صنایع جدید از کشور فرانسه به ایران جهت آموزش نیروها را می‌نماید. همچنین دستور خرید تجهیزات نظامی و نیز کتاب‌های آموزشی برای آموزش آن‌ها را نیز صادر می‌کند (اقبال، ۱۳۹۰: ۲۷۴). این سند نمونه بارزی است در رد نظر آن دسته از مورخان که وی را عاجز از هرگونه افکار و سیاست جهت پیشرفت و همگامی با تمدن جدید می‌دانستند. در این راستا وی اهتمام به ساخت توپ‌های جنگی نمود که اعتمادالسلطنه در این باره می‌نویسد: «کلیتاً حاجی در ایام وزارت خود در عمل قورخانه و توپخانه ایران خیلی اهتمام داشت و تأسیس قورخانه و ترقی صنعتگران این کار در عصر او شد و هنوز هم قورخانه ایران از اهتمامات حاج میرزا آقاسی است که این طور شکوه دارد. هر چه توپ و آلات و ادوات قورخانه که الآن در قورخانه طهران موجود است از زمان حاجی باقی مانده است و در عهد وزارت او یک هزار توپ قلعه کوب از نوریختند و گلوله و اسباب او را مهیا نمودند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۶۴). از دیگر اقدامات میرزا آقاسی در راستای اصلاحات جامعه ایران که کتابی نیز درباره آن نوشته است، ضابطه و قانونمند کردن اعطاء نشان‌ها و القاب دولتی به افراد مختلف بوده است. این کتاب که قانون نشان‌ها نام دارد، درباره این است که اعطاء نشان دولتی تحت یک قانون و ضابطه معین انجام گیرد و مأمورین دولت بدون ابراز لیاقت و شجاعت توقع دریافت نشان نداشته باشند و نشان‌های مختلف با در نظر گرفتن نوع خدماتی که انجام می‌دهند به آنان اعطاء گردد (سعادت نوری، ۱۳۴۴ ب: ۵۴۰-۵۴۱). از تواریخ این دوره برمی‌آید که اعطاء نشان و القاب در دوره قاجاریه در اغلب موارد بدون در نظر

گرفتن لیاقت و شایسته‌سالاری انجام می‌گرفته و چه‌بسا خیل عظیمی از نزدیکان دربار که فقط به دلیل وابستگی‌های فامیلی و تقرب به افراد و بزرگان دربار دارای القاب و نشان‌های مختلف بودند و به تبع آن از موقعیت‌ها و درآمدهای ممتاز برخوردار می‌شدند.

از دیگر اقدامات وی کاشت و غرس درختان توت برای تغذیه و پرورش کرم ابریشم در کرمان بود (واتسن، ۱۳۵۶: ۳۵۴) که عموماً مغفول مانده و کمتر بازگو شده است. در واقع اهمیت کار وی در آن بازه زمانی از آن جهت بود که با این اقدام دو هدف اساسی محقق می‌شد. اول اینکه صادرات ابریشم به‌عنوان یک کالای اساسی بومی محقق می‌شد و دوم اینکه این اقدام از لحاظ رونق کشاورزی و بیابان‌زدایی در ایالت پهناور کرمان نیز حائز اهمیت بود (سعادت نوری، ۱۳۴۴: ۵۴۱).

یکی دیگر از اقدامات مهم وی که در راستای توسعه اراضی و نیز نشئت‌گرفته از توجه و علاقه خاص وی به طبیعت و محیط‌زیست است، توجه و اهتمام او به آبرسانی به زمین‌های کشاورزی و نیز حفر قنات‌های متعدد است. بدین ترتیب وی در تاریخ ۱۲۶۲ ق. جهت آبرسانی به شهر تهران، اقدام به اخذ آب از رودخانه کرج کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۶۸). درباره چگونگی آبرسانی به شهر تهران، رضاقلی خان هدایت این‌چنین می‌گوید: «چون طهران از زمان آقا محمدخان پایتخت شد و عده کثیری از طبقات مردم در آن شهر جنت بحر تمدن و تمکن جستند و آب قنات سالفه ساکنین شهر را مکفی نبود، مقرر گردید از رود کرج که تا شهر هفت فرسنگ فاصله است، نهری بریده به شهر جاری کنند. مهندسین و معماران پس از شانزده هزار تومان مخارج با شاهد یأس هم‌آغوش شدند لذا قرار بر این دادند که از نهی بریده و سفنارد که اصل آن از رود کرج است نهی بریده و به شهر برسانند و چنین کردند. چون آن را وسعتی چندان نبود و آب آن کفایت نمی‌نمود، دیگر باره به دستور حاج میرزا آقاسی پیشکار ایران حاج عباسقلی خان ایروانی و معمارباشی مأمور شدند که از اصل رودخانه کرج نهی بریده به شهر برسانند. قریب دو سال در این کار مشقت و رنج بردند و دوازده هزار تومان به مخارج آن مصروف داشتند و از رودخانه نهی بزرگ بریده، از بالای باغ نگارستان گذرانیدند که از دروازه شمیران به شهر می‌نشست و به فرای خارجه سودمند بود. لذا به حکم حضرت شاهنشاهی بر لب نهی شاهی سراپرده حشمت و اردوی شوکت، سر به ثریا افراخت و جشنی برپا کردند و شیلانی شاهانه کشیدند و بار سلام عام دادند و خطبه و منقبت رانده شد و تاریخ و تهنیت خوانده آمد.» (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۹۱).

همچنین از دیگر کارهای مهم وی جهت توسعه کشاورزی، خریدن زمین‌های متعدد و نیز اراضی موات جهت حفر قنات‌های متعدد بود که علاقه وافری نیز به این امر داشت. او همه این اقدامات و نیز امر دقیق زمین‌های خریداری شده را در کتابچه‌ای ثبت می‌نمود و در آن اشاره کرده است که همه آن‌ها از پول دولتی خریداری شده و جالب‌تر آنکه قبلاً همه آن زمین‌ها را قبل از پایان صدارتش به نام محمدشاه زد (مستوفی، ۱۳۷۷: ۴۸). البته با وجود اقدامات مذکور می‌توان گفت که کم‌اطلاعی او از تحولات جهانی سبب کم‌عمق بودن اصلاحات و اقدامات او و اخذ تصمیماتی شد که نتوانست منافع ملی ایران در عصر رقابت قدرت‌های بزرگ را تأمین کند. به‌عنوان مثال ناآگاهی او از تغییرات اقتصادی سبب شد تا اقتصاد معیشتی کشاورزی به سود اقتصاد تجاری متکی به صدور مواد خام تغییر کرده و ایران در تأمین مواد غذایی دچار مشکل شود. باین حال آنچه سبب شد اصلاحات او چندان موفقیت‌آمیز نباشد کم‌توجهی به امور زیربنایی اصلاح لشکری بود. در واقع زمانی ایران از روسیه شکست خورد که بنیادهای نظامی کشورهای جهان از حالت سنتی و سپاه‌گیری از ایالات به ایجاد سپاه منظم تغییر کرده بود، اما حاجی میرزا آقاسی بدون توجه به این موضوع تصور می‌کرد می‌تواند با همان لشکری که پایه‌اش همچنان ایالتی است در برابر تهدیدات خارجی مقاومت کند که این موضوع اصلاحات او را بی‌نتیجه گذاشت (خان‌ملک ساسانی، ۱۳۵۰: ۱۲۳).

۳-۶. اقدامات فرهنگی میرزا آقاسی

از اقدامات فرهنگی زمان صدارت میرزا آقاسی چاپ و انتشار اولین روزنامه ایرانی با عنوان کاغذ اخبار توسط میرزا صالح شیرازی در تاریخ ۱۲۵۳ تا ۱۲۵۵ ق است که توجه میرزا آقاسی را به امر روزنامه‌نویسی که یکی از مظاهر تمدنی جدید جهت روشنگری خلق قلمداد می‌شده، نشان می‌دهد. همچنین وی غالب علما را از سراسر ایران به تهران فراخواند. از آن جمله میرزا محمدتقی اردکانی که از شهر یزد به تهران دعوت نمود و اداره امورات مدرسه فخری (مروزی) را به وی سپرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۹۵). همچنین از میرزا آقاسی آثار متعدد مکتوبی به‌جامانده است که عبارت‌اند از:

۱) رساله چهل فصل سلطانی یا شمیم فرخی در اصول و فروع و تدبیر منزل و سیاست مدن در تاریخ ۱۲۶۴ ق. در خوی تدوین گشته است (کتابخانه و موزه ملی ملک - شماره ثبت: ۶۲۲۰=۱۳۵۷۰، تاریخ: ۱۳۳۳).

۲) نشانه نظامی ایران یا قانون نشان‌ها در باب ضرورت وجود القاب و نشان‌های متعدد سلطنتی نوشته شده به تاریخ ۱۲۵۲ ق. (کتابخانه موزه ملی ملک، شماره: ۰۴۰۶۰۸۶/۱۳۹۳/۰۰۱).

۳) مصابیح محمدیه در باب مسائل و اصول اخلاقی، فلسفی و دینی که در تاریخ ۱۲۶۳ ق. توسط ملا صالح خوافی در تبریز منتشر شده است (در سیاست مدن و نحوه کشورداری که در دوازده فصل به خط نستعلیق به تاریخ مذکور در ۳۶ برگ به شماره ۹۹۳۷ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود).

۴) رساله منظوم لطایف المعارف که در تاریخ ۱۲۵۷ ق. توسط رضاقلی خان هدایت تحریر شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۵۳۹؛ کتابخانه موزه ملی ملک، شماره: ۰۴۰۶۲۲۰/۱۳۹۳/۰۰۴).

۵) کتابچه قبالات خزانه مبارکه - املاک حاج میرزا آقاسی - خالصه جات و موقوفات دیوان عالی (به کوشش بهمن بیانی و منصوره اتحادیه در ۵۸۷ صفحه توسط نشر تاریخ ایران منتشر شده است که حاوی سه بخش در صورت املاک از روزگار نادری و زندیه تا عهد محمدشاهی، صورت املاک حاج میرزا آقاسی که در ۱۲۶۳ به شاه هبه کرد و ثبت املاک شناخته شده در سال ۱۲۹۰).

کتاب قبالات خزانه مبارکه که به لحاظ حقوقی و تاریخی مربوط به ثبت املاک اهمیت فراوانی دارد، حاوی سه بخش ذیل است: نخستین قسمت آن اسامی املاکی است که تا زمان محمدشاه قاجار در سال ۱۲۵۹ هـ. ق. در اختیار دولت بوده؛ شامل املاک دوران صفویه، افشاریه، زندیه، قاجار، دوره‌های حکومت فتحعلی شاه، عباس میرزا و محمدشاه قاجار است. دفترچه دوم، اسامی املاک خود حاجی میرزا آقاسی را در بردارد. این املاک را خود میرزا آقاسی خریداری و آباد کرده و در سال ۱۲۶۳ هـ. ق. به محمدشاه هبه شرعی نموده است. اصل هبه‌نامه شرعی کلیه مایملک حاجی میرزا آقاسی به محمدشاه از اراضی و قراء و مستغلات و ابنیه موشح به خط خود حاجی و ممهور به مهر او جزو اسناد خزانه اندرون بوده است.

دفترچه سوم، اسامی خالصه جات و املاک ابتیاعی شاهان قاجار است که در صندوقخانه اندرون دربار سلطنتی قرار داشته و در سال ۱۲۹۰ هـ. ق. به دستور ناصرالدین شاه انجام شده است. در دفترچه املاک حاجی میرزا آقاسی علاوه بر ذکر املاکی که وی به و محمدشاه هبه کرده و بقیه دارایی او را هم که ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ هـ. ق) ضبط کرده و نیز املاک صادره شده خازن الدوله، امین الدوله، منوچهرخان گرجی، معتمدالدوله و جعفرقلی خان قاجار هم آمده است. نکته قابل توجه در مورد دفترچه املاک حاجی میرزا آقاسی این است که

در ذکر بعضی از املاک تعداد خانه‌ها، نفوس، حیوانات اهلی اعم از گاو، گوسفند، بز، اسب، قاطر، خر و مقدار حاصل زراعتی را یادآوری کرده‌اند. لازم به ذکر است که با توجه به صفحات ۲۷۱ تا ۲۹۴ کتاب که حاوی اسامی املاک حاجی میرزا آقاسی فقط در حومه تهران است به نام دهات زیر برمی‌خوریم: ونک، عباس‌آباد، دزاشوب (دزاشیب فعلی)، مهران و مهران سفلی، شمس‌آباد، تجریش، کاشانک، سرخه‌حصار، مهرآباد، اسماعیل‌آباد، یافت‌آباد، نوروزآباد، یوسف‌آباد، مرتضی‌گرد، کاریزک (که‌ریزک)، کردان، نظرآباد، لشگرک، کمرد، کلاک، سعیدآباد و این‌ها به‌جز املاکی است که وی در استان‌ها و شهرستان‌های دیگر مانند تبریز، خوی، عراق (عجم)، قزوین، خمسه، خراسان و سایر مناطق داشته است. گفته می‌شود میرزا آقاسی این املاک متعدد را در طول دوران صدارتش خریده بود. البته بعضی‌ها اشاره به تصرف و غصب آن‌ها می‌کنند.

۶) صواعق النظام - نگاشته شده توسط محمدرضا مهندس تبریزی به دستور حاج میرزا آقاسی در علم ترکیب توپ و خمپاره و ترتیب گلوله که در محاصره هرات جهت توپ‌ریزی در تاریخ ۱۲۵۴ قمری در یک مقدمه، سی‌وشش باب نگاشته شده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی - شماره ثبت: ۸۱۴۰۵۳-۱۰۵۳ ف).

نتیجه

به‌طورکلی از بررسی جمیع منابع این دوره که از زوایای مختلف سیاسی و اجتماعی به حوادث و وقایع دوره حکومت قاجار و به‌ویژه محمدشاه قاجار نگاه کرده و سیاست‌های آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که علی‌رغم اشتباهات و سیاست‌های غلطی که به میرزا آقاسی نسبت داده‌اند و اغلب وی و اقداماتش را در مقایسه با سایر وزرای قبل و بعدش مخصوصاً امیرکبیر زیر سؤال برده‌اند، در بدبینانه‌ترین حالت و دیدگاه هم نمی‌شود از اقدامات مهم و مثبت وی که در جهت منافع ایرانیان و جامعه بود، چشم‌پوشی کرد و آن‌ها را نادیده گرفت. برای اثبات این مدعا فقط کافی است به دیدگاه‌ها و علاقه‌وی به امور عمرانی و نوسازی و میل و اهتمامی که وی به هم‌رنگ شدن با مظاهر مدرنیته، از جمله نوسازی مدارس یا اصلاح سیستم آبیاری، نگرینست تا ثابت شود که وی علی‌رغم بزرگ شدن و تربیت در محیطی دینی با صبغه درویشانه، در اکثر موارد به پیشنهادهای مربوط به اصلاح جامعه روی خوش نشان داده و تلاش و اقداماتی را در این زمینه انجام داده است. با این حال

اصلاحات او به دلیل بی‌اطلاعی از دانش نوین اغلب سطحی و کم‌عمق بود. برای همین در آن زمان چندان وضع اقتصادی ایران تغییری نکرد؛ بنابراین میرزا آقاسی به نسبت دوران طولانی صدارتش نتوانست در مقام صدراعظم ایران جامعه را به شکوه و ترقی در حد اعلا برساند. لازم به ذکر است که از منظر روش‌شناسی مبتنی بر تاریخی‌نگری، بایسته است شخصیت‌ها و کنشگران ساحت تاریخ را در زمانه خودشان قضاوت کرد و سنجید. پُر واضح است که میرزا آقاسی در عرصه‌های مختلف اشتباهاتی در اقدامات و سیاست‌هایش داشته که بعضی اوقات شاید می‌توانست با تصمیم بهتر عملکرد بهتری را هم از خود به جا گذارد ولی با تمام این توصیفات وی یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ معاصر بوده است که توانسته نظرات گوناگونی را متوجه خود سازد.

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون، ۱۳۶۲، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، ۱۳۵۷، صدرالتواریخ، به اهتمام محمد مشیری، تهران: وحید.
- افشاری، پرویز، ۱۳۷۶، صدراعظم‌های سلسله قاجاریه، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۹۰، امیرکبیر، تهران: نگاه.
- الگار، حامد، ۱۳۶۹، دین و دولت در ایران نقش علما در دوره‌ی قاجار، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- براون، ادوارد، ۱۳۸۱، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ماه ریز.
- تیموری، ابراهیم، ۱۳۳۲، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: اقبال.
- خان ملک ساسانی، احمد، ۱۳۵۰، سیاستگران دوره‌ی قاجار، تهران: بابک.
- خورموجی، محمدجعفر، ۱۳۶۳، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: نی.
- دوسرسی، کنت، ۱۳۶۲، ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹ م. ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۲، تاریخ ایران، ج. ۲، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران.
- واتسن، رابرت، ۱۳۵۶، تاریخ ایران در دوره‌ی قاجاریه، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: امیرکبیر.
- سعادت نوری، حسین، ۱۳۴۴ الف، «حاج میرزا آقاسی (۱۵)»، یغما، شماره ۲۰۴، ۲۱۰-۲۰۲.
- سعادت نوری، حسین، ۱۳۴۴ ب، «حاج میرزا آقاسی (۱۹)»، یغما، شماره ۲۱۰، ۵۴۰-۵۴۵.
- سپهر (لسان‌الملک)، محمدتقی، ۱۳۷۷، نسخ‌التواریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- شمیم، علی‌اصغر، ۱۳۷۱، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: علمی و فرهنگی.
- مستوفی، عبدالله، ۱۳۷۷، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: بی‌نا.
- میرزا جهانگیر، ۱۳۸۴، تاریخ نو، به کوشش عباس اقبال، تهران: علم.

هدایت، رضا قلی خان، ۱۳۸۵، تاریخ روضه الصفای ناصری، تهران: اساطیر.
ناطق، هما، ۱۳۶۸، ایران در راه‌یابی فرهنگی، پاریس: خاوران.
نصرت ماکویی، حاج محمد رحیم، بی تا تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو، قم: چاپخانه علمیه.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی